



مبارزه کارگری

علیه بیکاری در روسیه

در میان تجربه مبارزات طبقه کارگر علیه بیکاری، تجربه شورای بیکاران در روسیه از نمونه های کلاسیک و پربار است. در یک بیکاری همه گیر و در متن فقر و پراکندگی عمیق میان کارگران، چه شاغل و چه بیکار، کارگران بلشویک روسیه آستین بالا زده و یک سازمان قدرتمند کارگری علیه بیکاری را واقعیت بخشیدند. موانع سر راه ایجاد یک جنبش کارگری علیه بیکاری در ایران امروز شباهت بسیاری با مشغله فعالین شورای بیکاران در روسیه آن زمان دارد. به همین جهت راه حلها، سیاستها و روش کار آن شورا میتواند عسای دست فعالین کارگری این عرصه گردد. در تمام قرن گذشته تجربه شورای بیکاران روسیه الهام بخش جنبشهای کارگری در گوشه و کنار جهان بوده است.

مالیشف کارگر بلشویکی که در جریان مبارزات کارگران روسیه بر علیه بیکاری شرکت فعالی داشته و خود یکی از رهبران این جنبش بوده است، تجارب و دستاوردهای این مبارزه را بازبانی ساده بصورت کتابی به نام "شورای بیکاران" روی کاغذ آورده است. خلاصه ای از این کتاب در نشریه علیه بیکاری، در دیماه سال 1359 در دو قسمت منتشر گردید. عین آن مقالات را در نشریه ما در دسترس علاقمندان قرار میدهم.

در میان تجربه مبارزات طبقه کارگر علیه بیکاری، تجربه شورای بیکاران در روسیه از نمونه های کلاسیک و پربرابر است. در یک بیکاری همه گیر و در متن فقر و پراکندگی عمیق میان کارگران، چه شاغل و چه بیکار، کارگران بلشویک روسیه آستین بالا زده و یک سازمان قدرتمند کارگری علیه بیکاری را واقعیت بخشیدند. موانع سر راه ایجاد یک جنبش کارگری علیه بیکاری در ایران امروز شباهت بسیاری با مشغله فعالین شورای بیکاران در روسیه آن زمان دارد. به همین جهت راه حلها، سیاستها و روش کار آن شورا میتواند عسای دست فعالین کارگری این عرصه گردد. در تمام قرن گذشته تجربه شورای بیکاران روسیه الهام بخش جنبشهای کارگری در گوشه و کنار جهان بوده است.

مالیشف کارگر بلشویکی که در جریان مبارزات کارگران روسیه بر علیه بیکاری شرکت فعالی داشته و خود یکی از رهبران این جنبش بوده است، تجارب و دستاوردهای این مبارزه را بازبانی ساده بصورت کتابی به نام "شورای بیکاران" روی کاغذ آورده است. خلاصه ای از این کتاب در نشریه علیه بیکاری، در دیماه سال 1359 در دو قسمت منتشر گردید. عین آن مقالات را در نشریه ما در دسترس علاقمندان قرار میدهم.

تزار برای شکست انقلاب کارگران را بیکار میکند.

در صد سال پیش، زحمتکشان روس پس از سالیان دراز بار دیگر بر علیه نظام استثمارگر موجود دست به شورش انقلابی زدند. از آنجا که این استثمار به شیوه سرمایه داری بود صف جلودار را پرولتاریای انقلابی تشکیل میداد. این شورش از چنان ابعادی برخوردار بود که پایه های حکومت تزاری را بلرزه می افکند.

طبیعتا در مقابل پرولتاریای انقلابی که مسئله اش ادامه انقلاب تا پیروزی قطعی آن بود برای استبداد تزاری مسئله بصورت سرکوب انقلاب و بازگرداندن وضع، بحال "عادی" طرح میگشت. منافع طبقاتی حکومت تزاری ایجاب میکرد که او به موقعیت دشمن طبقاتی خود یعنی پرولتاریای انقلابی آگاه شود و در جهت سرکوب هرچه بیشتر آن پیش رود. تزار میدانست که قدرت نیروی عظیم کارگان از اتحاد آنان و متشکل بودن آنها زیر پرچم آگاهی انقلابی طبقه ناشی میشود، کوشش میکرد که این سلاح کارگران یعنی اتحاد و تشکل طبقاتی آنها را از دستشان خارج سازد. ازاینرو پس از آنکه قیام مسلحانه را در شهرها بوسیله ارتش ضد خلقی خود سرکوب، پیشروی خود را تا به آخر یعنی در جهت شکست قطعی انقلاب چنین ادامه داد که از یکسو با سازماندهی دارودسته هائی شبیه فالانژها و حزب الهی های خودمان که در آنجا به باندهای "صد سیاه" معروف بودند و تشکیل شبکه پلیس و پلیس مخفی، رهبری مبارزات را دستگیر و یا مجبور به فعالیت مخفی کرده و در نتیجه فعالیتهای آنها را محدود کرد و از سوی دیگر با اخراج کارگران دست به ایجاد بیکاری مصنوعی زده که منجر به بیکاری کارگران زیادی در روسیه شد. اما چرا تزار به این کار دست زد؟

او بخوبی دریافته بود که نقطه قدرت کارگران یعنی اتحاد طبقاتی و یکپارچه آنها را باید به نقطه ضعف یعنی نشنت و پراکندگی و رقابت درونی بدل سازد. زیرا که بیکاری در صورت عدم وجود آگاهی و تشکیلات لازم پرولتاری می تواند به عاملی در جهت تضعیف مبارزه طبقاتی کارگران بدل شده و کارگران را صرفا به تامین زندگی خود و خانواده هایشان بکشاند که این خود موجب فراهم شدن شرایطی برای سرکوب آنها خواهد شد.

سرانجام شورای بیکاران هم سرکوب میشود، اما....

بدینسان پس از دو سال مبارزه لاینقطع، عاقبت تزار بیسم توانست شورای بیکاران را نیز سرکوب کند، ولی این تنها ظاهر قضیه است. دو سال پیش موقعیکه اقدام به ایجاد بیکاری وسیع نمود، با همه شعور طبقاتی خود از درک توانمندی واقعی کارگران روسی در مقابله با بیکاری مصنوعی عاجز بود. در واقع تزار هیچگاه نتوانست از بیکار کردن کارگران آنچه را که در نظر داشت یعنی رکود مبارزه طبقاتی، به سازش کشیدن کارگران، وادار کردن آنها به تن دادن به مزد کمتر و استثمار بیشتر.... را برآورده سازد، بلکه برعکس رهبری بلشویکی، کارگران روس را در معنای طبقاتی خود یعنی بصورت اتحاد کارگران شاغل و بیکار، بصورت یک اتحاد کارگری علیه بیکاری بسیج و سازماندهی کرد. مبارزه طبقاتی تعطیل که نشد رشد هم یافت. رهبری بلشویکی نه تنها از به سازش کشیدن کارگران ممانعت به عمل آورد بلکه همواره با جلب حمایت توده های وسیع کارگری توانست از موضع قدرت با بورژوازی روبرو شده و حتی سازشکارانی نظیر منشویکها را از صفوف کارگران طرد کند.

توانست چنان کارگران را متحد و متشکل کند که ایده تزار مبنی بر ایجاد تفرقه و دشمنی درونی کارگران هیچگاه متحقق نشود. با ایجاد شورای بیکاران نه تنها به کارگران دستمزد کمتر تحمیل نشد بلکه با اختصاص مقادیر قابل توجهی از بودجه دوما یعنی سرمایه دولتی جهت رفع نیازهای کارگران عملا مخارج تامین معیشت کارگران را به بورژوازی تحمیل کرد.... تشکیلات بیکاران سن پترزبورگ غیر از با دو پیروزی چشمگیر یعنی برقراری و استحکام وحدت طبقاتی کارگران و تحمیل معیشت کارگران بیکار و خانواده های آنها به بورژوازی، همچنین توانست تحت حکومت سیاهترین ارتجاع، اعتصابات زیادی را پیروزمندانه به پیش برد، آموزش انقلابی پرولتاریا را افزایش دهد، و آنرا به عرصه سازماندهی تولید، کسب توانائی برای رهبری صفوف خود بسط دهد.

اگر شورای بیکاران بعد از دو سال از هم پاشید نه بدلیل اینکه این تشکیلات بگفته منشویکها نا مناسب بود بلکه بدلیل آنکه اوضاع سیاسی در روسیه که طبیعتا تعیین آن تنها به فعالیت این تشکیلات بستگی نداشت درجهت هرچه سیاهتر چرخیده و از طرف دیگر بخشی از کارگران بیکار برسرکار رفته بودند.

بدین ترتیب تشکیلات بیکاران در سن پترزبورگ یک بار دیگر نشان داد که در مقابله با مشکل بیکاری تنها اتحاد کارگران شاغل و بیکار یعنی اتحادی کارگری می تواند نتیجه بخش باشد.

ما در پایان کلیه کارگران شاغل و بیکار ایران را به مطالعه این اثر دعوت میکنیم.

تهیه و تنظیم متن: سیوان رضایی

در موارد بسیار معدودی بدلیل ناخوانا بودن، متن اصلی تلخیص شده است.

در همین حین که هیئت نمایندگی در دوما بود، فرماندار شهر به وزیر خبر داده بود که کارگران مسلح هستند وقتی نمایندگان خبر مسلح بودن خود را شنیدند هشیارانه متوجه شدند که مسئولین شهر از این ادعا استفاده خواهند کرد تا مانع پیشبرد نقشه آنها شوند.

لذا فوری درحالی که صدای خنده بلند شده بود 20 تا عصا و چتر خود را جمع کرده و پس از تحویل آنها به مسئولین شهر گفتند: ما میخوایم سلاحهای خود را تحویل دهیم. بهر کس که مسئول است بگوئید که نمایندگان پرولتاریا خلع سلاح شدند!!

در این زمان رئیس پلیس با ستونی از افراد پلیس وارد سالن شدند. دوما به شکل اردوگاه نظامی درآمده بود، نمایندگان پرولتاریا تصمیم گرفتند نه محل را ترک کنند و نه تازمانیکه پلیس خارج نشده وارد صحبت شوند.

مسئولین شهر با دیدن اوضاع اصرار داشتند که پلیس از دومای شهر خارج شود. بعد از گفتگو بحث روی این مسئله طرف 5 تا 10 دقیقه نیروهای مسلح خارج شدند و دوما پذیرفت که در تاریخ 14 ژوئن هیئت نمایندگی شورای بیکاران را بپذیرد.

باز هم کارگران موفق میشوند!

در روز 14 ژوئن نمایندگان برای دوما صحبت کردند آنه پساز شرح وضعیت بیکاران اعمال دوما را محکوم کردند و در آخر، هریک این سوال مشابه را مطرح میکردند که آیا ترتیب ایجاد کار را میدهید یا نه؟

سخنران سوم مامور بودند که به دوما هشدار دهد که در صورت امتناع از ایجاد کار احتمال وقوع چه نتایجی وجود دارد. او چنین گفت: ما کارگران آگاه و انقلابی هستیم. ما با کسانیکه شما نمایندگی شان را میکنید جنگیدیم. ما میدانیم چه چیزی بیکاری را پایان خواهد داد. اما مجموعه توده ها آنرا نمیدانند بیکاری آنها را به سمت دزدی و جنایت سوق میدهد. شما از این میترسید. ما یعنی پیشروان کارگران نیز از این مطلب میترسیم. شما بخاطر خودتان و سلامتی تان میترسید ولی ما بخاطر قدرت و نیرویمان میترسیم. زیرا این چیزها صفوفمان را تضعیف کرده و در آن شکاف می اندازد. شما به بیکاران قول وقرارهای داده اید نه بخاطر اینکه حقوق آنها را محترم میشمارید بلکه بخاطر اینکه از آنها میترسید. اگر شما حرکتی برای ایجاد کار انجام ندهید ما به همه توده های بیکاران خواهیم گفت که تمام قولهای که به آنها داده شده دروغ بوده است. شما باید بگوئید آیا کار ایجاد خواهید کرد یا نه؟ کارگران خواستهای خود را مطرح کرده و از آنها خواستند تصمیم گیری کنند. هیچکدام از نمایندگان شهر نمیتوانستند با پیشنهاد ارائه شده مخالفت کنند. مسئله کمک به بیکاران با ترس و لرز و نگرانی مسئولین شهر مورد توافق قرار گرفت و قطعنامه صادر شد.

بدین ترتیب پول تامین شد و بلافاصله اولین مرحله ایجاد کار اجازه شروع یافت. پروسه ایجاد کار پس از ملاقات نمایندگان کارگران با دوما در روز 14 ژوئن پیشرفت قابل ملاحظه ای یافت. اما این بدین مفهوم نبود که واقعا کار گیر کارگران میامد، آنها مجبور بودند که کماکان به فشارگذاشتن بر مسئولان دوما ادامه دهند.

در نیمه دوم 1907 ارتجاع سیاه و سیاهتر شد اکثریت رهبران و سازماندهندگان شورای بیکاران مخفی یا دستگیر شدند. کلیه فعالیت بیکاران تضعیف شده بود وبالاخره توسط پلیس مخفی و ژاندارمها در سال 1908 نابود شد. اما زمانیکه دولت میخواست اقدام به بستن کارگاههای بارانداز کارگری کند، آنقدر میترسید که قبل از اقدام، ژاندارمها یک ستون ارتش با سلاح سبک را بحالت آماده باش درآوردند که در صورت لزوم دست بکار شوند.

بدین ترتیب حکومت تزاری مکان بیکاری گسترده را در تضعیف مبارزه کارگران درک کرده بود و میدانست که اخراج کارگران و ایجاد بیکاری وسیع میتواند به سود منافع سرمایه باشد. بنابراین کارگران روسیه از کارخانه رانده شدند. بیکاری با تمام ابعاد شوم خود عرض اندام میکرد: گرسنگی، نداشتن هیچ وسایل گرم کننده در زمستان سخت، دوری از بهداشت، جروبحث با صاحبخانه که معمولا با کمک ژاندارمها به بیرون ریخته شدن اثاثیه می انجامید، فروختن و گروه گذاری آنچه که مانده بود، روی آوردن به دزدی، ... از هم پاشیده شدن خانواده و ... خلاصه رانده شدن بسوی مرگ!

بدین ترتیب کارگران روس، بسویی که حکومت سرمایه داری در نظر داشت یعنی رودرویی و رقابت درونی کارگران بر سر یافتن کار، نزاع کارگران شاغل و بیکار، ... سرانجام ایجاد تفرقه و تشتت وسیع در نزد ارتش کارگران، (درست وضعیتی شبیه وضعیت کنونی کارگران ایران) و در نهایت شکست قطعی شورش انقلابی شان رانده می شوند، ... و در این بین در مقابله با توطئه ضد کارگی حکومت سرمایه داری تزاری، کارگران چه می باید می کردند؟

چاره کارگران چه بود؟

حزب بلشویک کارگران روسیه، چاره را در ایجاد اتحاد کارگران شاغل و بیکار یافت ببینیم این راه حل چگونه چاره مشکل بود. و پیشروان جنبش کارگری روسیه چه کردند؟

شورای نمایندگان کارگران که از گروهی کارگران و روشنفکران بلشویک از جمله خود مالیشف بعنوان رئیس آن، تشکیل شده بود، از طرف حزب ماموریت پیشبرد مبارزه علیه بیکاری را بعهده داشت از اینرو ابتدا تصمیم میگیرد که مسئولیت دهها نفر از کارگرانی که در اثر ایجاد بیکاری به خیابانها ریخته شده بودند، بعهده بگیرد. اما هنگام اخراج کارگران با این مشکل روبرو شد که چگونه راهی برای کمک به بیکاران گرسنه و فقرزده پیدا کند، چرا که باوجود همه اهمیتی که مسائل سیاسی داشتند گرسنگی چنان فشار زیادی برروی آنان میگذاشت، که دیگر مجالی برای مبارزه با سرمایه داری باقی نمیماند و این امر باعث شده بود که شورای نمایندگان کارگران روزهای اولیه عمدتا به حل مسائل معیشت کارگران بیکار بپردازد تا مسئله ایجاد کار. از اینرو ابتدا به پیشنهاد شورای نمایندگان کارگران یک کمیسیون بیکاران تشکیل شد که در تمام مناطق کارگی شعبه خود را دایر کرد و سپس این کمیسیون قطعنامه شورای نمایندگان کارگران را مبنی بر اینکه یک درصد حقوق کارگران کارخانه جات و معادن جهت کمک به بیکاران اختصاص باید را تصویب نمود و آنها هم چنین از تمام میتینگها و اجتماعات داوطلبانه پول جمع آوری میکردند و این پول ها کمیسیون بیکاران را قادر نمود که در کمک به بیکاران قدمهای جدی را بردارد. چند سالن غذاخوری در پترزبورگ گشوده شد به کارگران و خانواده هایشان کمک مالی داده شد...

شورای نمایندگان کارگران بدرستی برای حل معیشت کارگران بیکار رهنمودی مبنی بر کمک کارگران شاغل به کارگران بیکار داد و بوسیله پولهایی که در این رابطه بدست آورده بودند توانستند برای ماههای اولیه کارگران بیکار را تامین کنند.

اما آیا این راه حل می توانست کلا معیشت کارگران بیکار و خانواده های آنها را تامین کند و آیا راه حل قطعی برای اینکار این است؟ نه!

چرا که با فقر و فلاکت شدیدی که در اثر بیکاری بوجود آمده بود سهمی که طبقه کارگر از محصول کار اجتماعی به خود اختصاص میداد برای زنده نگاه داشتن تمای آن کافی نبود و این تقسیم ارزش بین کارگران و زحمتکشان فقط و فقط میتوانست تاثیری موضعی و موقت داشته باشد، اگر این ارزش به تساوی هم بین کارگران و زحمتکشان تقسیم میشد باز هم عده ای از آنان باید از گرسنگی می مردند.

تشکیل شورای بیکاران ضروری میشود!

از اینرو شورای نمایندگان کارگران در جریان مبارزات خویش توجه خود را به اعمال اراده مستقیم در تامین و بهبود معیشت کارگران بیکار و خانواده های آنان و تحت فشار قرار دادن دومای شهر را در دستور کار قرار داد. در همین رابطه قطعنامه ای شامل خواستهای بیکاران توسط یک هیئت نمایندگی به دومای شهر فرستاد. البته همانطور که انتظار دیگری هم نمی رفت دومای شهر که اعضا و مسئولینش همه سرمایه داران بسیار قدرتمند و نمایندگان آنها بودند تصمیم گرفت که خواستهای آنها را رد کند. با این وجود بیکاری و گرسنگی شدیدتر میشود. کمسیون بیکاری به سختی کار میکند. دیگر از جایی کمکی نمی رسد و پولی در بساطش نمانده بود. در همان سال بود که شورای نمایندگان کارگران در سن پترزبورگ و قیام مسلحانه توسط حکومت تزار سرکوب میشود و رهبران به فعالیت مخفی مجبور شده و از شهر خارج میشوند. لیکن این جریان هیچ وجه فعالیت آنها را تعطیل نمیکند و در این رابطه رهبران حزب بلشویک تصمیم میگیرند از جنبش بیکاران که در آن زمان تازه شروع شده بود قویا حمایت کنند. لذا قرار بر این میشود که از نمایندگان تشکلهای بیکاران مناطق مختلف تشکیلاتی جدید بوجود آید. به این منظور جلسه ای تشکیل میشود. در آن جلسه یکی از اعضای کمیته چنین صحبت میکند: "گروه بلشویکی که من در اینجا از طرف آنها صحبت میکنم از جنبش بیکاران حمایت میکند و به ما کمک میکند که خود را در یک سازمان قوی سازماندهی کنیم. امروزه متشکل کردن همه کارگران و ایجاد یک ارگان رهبری بنام شورای بیکاران لازم است این شورا باید با کمک خود بیکاران، برای بهتر کردن وضع بیکاران مبارزه ای را شروع کند که کارش تنها توزیع غذا و 30 کوپک در روز نبوده بلکه عمدتا هدف خود را فشار بر دومای شهر دهد تا برای بیکاران وسیعا کار دولتی ایجاد کند. بیکاران گدا نیستند صدقه نمیخواهند، آنها کار و نان میخواهند. این مسئله باید به طریقی مطرح شود که خواستهای ما از دومای شهر مورد پشتیبانی همه کارگران کارخانجات و معادن قرار گیرد. دومای شهر باید کارهای دولتی ایجاد کند. در شهر به اندازه کافی از این قبیل کارها وجود دارد...."

آری، محور مبارزات ما برای این هدف مقطعی خود(تامین معیشت کارگران بیکار) باید عمدتا تحت فشار قرار دادن دومای شهر باشد و مبارزه با آنها. و فقط بدین وسیله است که میتوانیم حق خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشیم و به همین دلیل ما گدا نیستیم و صدقه نمیخواهیم و زنده ماندنمان در گرو این مبارزه بوده و هر چه بیشتر مبارزه کنیم پرتوانتر خواهیم شد.

در آن جلسه تمام پیشنهادات سخنران به اتفاق آرا تصویب شد و تصمیم گرفته شد که از طریق انجام انتخابات در سالنهای غذا خوری که محل تجمع بیکاران برای غذا خوردن بود، شورای بیکاران تشکیل شود. بعد از چند روز اهداف و وظایف تشکیلات بیکاران مورد بحث قرار گرفته، نکات مهمی به اتفاق آرا تصویب شد.

رهنمود نئین چه بود؟

مالیشف تعریف میکند: "وقتی که من و رفیق کرنسکی نزد نئین رفتیم تا گزارشی از آنچه را که برای ایجاد شورای بیکاران انجام دادیم به او ارائه دهیم، نئین پس از گوش کردن به سخنان ما گفت: "تنها از طریق این تشکیلات نمیتوانید روی بورژوازی اثر بگذارید، به اندازه کافی نیرو نخواهید داشت و کارگران بیکار خود قادر نخواهند بود این کار را در سطح کل طبقه کارگر گسترش دهند. بنابراین باید بیدرنگ شورای بیکاران را گسترش دهید تا نمایندگان شاغلین در تمام کارخانه ها و واحدهای تولیدی سن پترزبورگ را (نیز) در برگرد شما باید هم اکنون برای این هدف در کارخانه ها و واحدهای تولیدی شروع به تبلیغ کنید و بلافاصله ترتیب انتخابات این نمایندگان را بدهید. شورای بیکاران باید دارای، نه تنها 30 نماینده از بیکاران بلکه از 100 تا 150 نماینده از تمام نواحی، از کارخانه ها و واحدهای تولیدی باشد. این امر به بیکاران یک ارگان رهبری واقعا پرتوانتری

اصرار داشتند که کار بر مبنای آرتهایی یعنی بصورت گروهی کارها را کنتراکت میکنند انجام دهند. در این مورد هم تمامی کمسیون پشتیبان طرح آنها بودند.

بعضی از اعضا شورای بیکاران که تحت نفوذ منشویکها و اس ارها بودند به قبول این نوع کار اظهار تمایل میکردند. اما شورا در مجموع آن تشخیص داد که قبول کار بصورت پیمانی، بدبختی بزرگی برای بیکاران می توانست باشد و چه با منجر به شکست کامل این مبارزات شود.

شورای بیکاران هر نوع کاری را مناسب نمیداند.

پس از بحثهای بسیار مفصل و کامل و کافی بر روی این مسئله تصمیم گیری آن در دستور کار شورای بیکاران قرار داده شد. شورای بیکاران با قبول کار از طرف بیکاران بر مبنای قرارداد آرتلی و با پذیرش هر گونه مسئولیتی در زمینه (اداره) مالی و اشکالات متن پیشنهادی و نیز اصل انجام کار بر اساس مقاطعه گروهی مخالفت کرد.

امتناع شورای بیکاران از قبول کار بصورت قرارداد آرتلی دومای شهر را خشمگین ساخت و مسئولین شهر حتی تهدید کردند که اگر کارگران کارار به این طریق قبول نکنند، دوما اصلا مسئله ایجاد کاررا کنار خواهد گذاشت. مطبوعات لیبرال و باندهای سیاه شروع کردند که بشدت شورای بیکاران را مورد انتقاد قرار دهند. اما شورای بیکاران نیز از هر فرصتی استفاده میکرد که کار بشکل مقاطعه کاری با مسئولیت شورای بیکاران یا کارگران بیکار توطئه سرمایه داران را افشا کند.

روزها و هفته های بعد جریان ایجاد کار باز هم تغییر محسوسی نکرده و مسئله کماکان لاینحل مانده بود. دیگر روشن شده بود که دوما بقولی که در روز 12 آوریل داده بود نمیخواهد عمل کند.

جلسات عمومی هفتگی بیکاران و بخصوص کارگران کارخانجات و معادن تشکیل میشد و راجع به اوضاع بحث میکردند و قطعنامه های صادر میکردند که در آن رفتار دومای شهر نسبت به بیکاران محکوم می شد. دوما کاری میکرد که وظیفه خود را به تعویق انداخته و آنرا انجام ندهد.

کمسیون بیکاری همه این قطعنامه ها و تصمیمات پرولتاریا را نادیده میگرفت. کاسه صبر بیکاران لبریز شد و خشم آنها روبه ازدیاد بود. بطوریکه شورای بیکاران مجبور شد اعلامیه های خطاب به کارگران سن پترزبورگ پخش کند و از آنها بخواهد خونسردی خود را حفظ کنند.

تعرض بعدی کارگران اشغال دوما است!

بالاخره شورای بیکاران تصمیم گرفت یک هیئت نمایندگی به دوما بفرستد و این تصمیم را کاملا مخفی نگه داشت. هیئت نمایندگی انتخاب شده و نقشه چگونگی رفتن به دوما، طرح ریزی شد. نقشه واقعا موفقیت آمیز بود.

در ساعت 2 بعدظهر 12 ژوئن هیئت نمایندگی متشکل از 25 نفر که به دو گروه تقسیم شده بودند از دو در مختلف در یک زمان وارد سالن دوما میشوند. مسئولین شهر در وسط سالن گیر میکنند. گروه های نماینده در عین اینکه هر دو در خروجی دوما را اشغال کرده اند به مقابل تریبون رفته و در اینجا شروع به صحبت میکنند: "ما بعنوان نمایندگان کارگران سن پترزبورگ به اینجا آمده ایم و از شما میخواهیم که به ما بگوئید آیا سرانجام کاری در بین خواهد بود یا نه؟ فرار نکنید ما به شما دست نخواهیم زد.

مسئولین دومای شهر گوش نمیدادند. آنها میخواستند به هر طریقی که شده از سالن خارج شوند. اما وقتی متوجه شدند آنها فقط 75 نفر هستند قری آرام گرفتند و حاضر شدند به حرفهای آنها گوش دهند.

مسکن بیکاران در نظر گرفته بود مخارج اعتصابات را نیز تامین کنند(مرحبا!) از این کارها بسیار بود. بدینوسیله شورا توانست تمامی اعتصابات سال 1906 و بخشی از اعتصابات 1907 را مورد حمایت قرار دهد.

هرچند دومای شهر تحت فشار توده ای چهارو نیم میلیون روبل برای کمک به بیکاران و ایجاد کارهای دولتی خرج کرد، اما دوما سعی میکرد کمکهای مالی را محدودتر کرده و ایجاد کار را به تعویق اندازد.

بورژوازی با سردوانیدن کارگران مسئله ایجاد کار را به تعویق می اندازد.

با گذشت زمان هرچه بیشتر نظر خصومت آمیز دوما نسبت به جنبش بیکاران و کلا همه بیکاران که فقط تحت شرایطی پشت این تمایل ظاهری برای کمک به بیکاران پنهان شده بود، عریانتر و آشکارتر شد.

کدرین حبله گر از سرمایه داران دستور گرفته بود که کارگران را سردواند و تصمیم گیری بر سر مسئله مرکزی ایجاد کار دولتی را به تعویق بیندازد. پلیس و پلیس مخفی بطور قابل ملاحظه ای شروع به مداخله در فعالیتهای تشکیلاتی بیکاران کرده بودند. بالاخره شورای بیکاران که عملکردهای دوما را مرتباً دنبال میکرد بعد از دو هفته قطعنامه ای را به نمایندگی از طرف بیکاران سن پترزبورگ، خطاب به کمسیون بدین مضمون صادر کرد: عملکرد دوما در دو هفته گذشته منطبق بر قرارهای که در روز 12 آوریل گذاشته شده نبوده است. همه کوششها در جهت بهانه آوردن برای انجام ندادن وظایفی است که برعهده شان بوده است. در عین حال نه بیکاری، نه گرسنگی و نه بی صبری بیکاران هیچکدام کاهش نیافته اند، بیکاران در عملکرد دوما کلک و خیانت مبینند. بنابراین نمایندگان کارگران صراحتاً از مسئولین شهر سوال میکنند: آیا میخواهند به قول و قرارهای خود جامه عمل بپوشانند یا نه؟ اگر مسئولین دوما به تعویق در کارها ادامه بدهند باید بدانند نمایندگان کارگران از آنها در انجام چنین خیانتی حمایت نخواهند کرد و برای اینکه به هر عملی که به نظرشان درست بیاید، دست بزنند، آزادی عمل دارند.

بدینسان نمایندگان کارگران به پافشاری بر روی خط بلشویکی تقاضای ایجاد کار ادامه میدادند. کدرین فهمید که محال است نمایندگان را فریب دهد و نمیتواند ایجاد کار را به تعویق بیندازد در نتیجه فشار افکار عمومی مجبور به کناره گیری از کمسیون شد.

شورای بیکاران با کشف پروژه های برای ساختمان و پل، کشتارگاه و غیره از بانیان فنی دوما و بکمک تکنسینهای اتحادیه مهندسين که هوادار شورای بیکاران و در ارتباط با دومای شهر بودند، کارهایی را پیدا کرده بود که اکثر آنها قابل استفاده بوده و بیکاران قادر بودند آنها را انجام دهند. شورا همچنین قطعنامه ای در مورد شرایط ایجاد کار تصویب کرد و درخواست کرد که دوما بلافاصله با رعایت شرایط زیر دست به ایجاد کار همگانی بزند:

هشت ساعت کار در روز

منوعیت اضافه کاری

تعیین دستمزد روزانه

رعایت کلیه شرایط لازم بهداشتی و ایمنی کار

دادن کار به بیکاران ثبت نام شده زیر نظر شورای بیکاران

حق کنترل تمام امور داخلی در کارگاهها بوسیله نمایندگان کارگران

مسئولین در مقابل شورای بیکاران و نمایندگان آنها در کمسیون از راه دیگری برای سد راه شدن وارد شدند. آنها

خواهد داد، ارگانی که واقعا قادر خواهد بود با موفقیت بردومای شهر و کل بورژوازی فشار بیاورد."

رهنمود لنین بخوبی نشان داد که چگونه شورای بیکاران میتواند مبارزه خود را بخوبی پیش برد.

این شورا وقتی تامین معیشت کارگران بیکار را در دستور کار خود قرار میدهد ابتدا راه حل آنرا کمک مالی کارگران شاغل به کارگران بیکار می بیند. گرچه این حرکت اتحاد بین آنها را مستحکمتر میسازد، ولی فقط میتواند موقتی باشد. بعداً این مسئله مورد توجه قرار میگردد که با مبارزه بیکاران حکومت سرمایه را تحت فشار قرار دهند و آنرا مجبور به دادن امتیازاتی سازند که چنین کاری را میکنند ولی باوجودیکه اینرا می بینند که این مبارزه ایست که راه حل قطعی برای تامین معاش کارگران بیکار، برای ارتقاء مبارزه طبقاتی می باشد، اینرا در نظر نمیگیرند که بیکاران تنهایی نمیتوانند دوما را تحت فشار قرار دهند و مبارزه موفقیت آمیزی را پیش برند. بلکه باید در فکر اتحاد با کارگران شاغل و بهره گیری از نیروی کل طبقه در مقابله با مشکل کل طبقه (یعنی بیکاری) باشند. چون توده بیکاران به تنهایی نمیتوانند بورژوازی را تحت فشار تعیین کننده ای قرار دهند، این کارگران شاغل هستند که بیشترین اهمیتهای مبارزاتی - اقتصادی - سیاسی را در دست دارند و در نبود اتحاد کارگران شاغل و بیکار، کارگران بیکار به تنهای قدرت یک مبارزه همه جانبه با بیکاری را بیش از پیش از دست میدهند. با جدائی کارگران بیکار از شاغلین بین کارگران تفرقه خواهد افتاد و این امر زمینه های بسیار مساعدی را برای پیشبرد اهداف بورژوازی در جهت ایجاد تفرقه و دشمنی بین کارگران و به سازش کشیدن مبارزات آنها فراهم میسازد. این امر مهم را باید همواره توجه داشت که تا موقعی که کارگران به مثابه یک طبقه اعم از کارگران شاغل و بیکار مقابل بورژوازی نباشند، نخواهند توانست مبارزه ای را پیروزمندانه به پیش برند. لذا باید نه تنها با اتحاد کارگران شاغل و بیکار مبارزه موثری را بر علیه بیکاری سازمان داد، بلکه با پیشبرد این مبارزه به امر آموزش و وحدت طبقاتی کارگران و ایجاد و تحکیم و تشکل سراسری و طبقاتی وسیع نیز پرداخت.

اما همانطور که دشمنان پرولتاریا در هر زمان و در هر شکل و لباسی از مقابله کردن با مبارزات توده ها دست نمیکشند و نمایندگان خود را بدین منظور به صفوف پرولتاریا می فرستند این بار نیز نمایندگان بورژوازی در صف کارگران تحت عنوان منشیوها به مقابله با تشکیلات بیکاران برمیخیزند تا آنرا درهم ریخته و از حداقل رشدش جلوگیری کنند.

منشیوها چه رهنمودی میدادند!؟

آنها در مباحث خود پیرامون این مسئله میگفتند: شورای بیکاران تحت رهبری بلشویکها کارگران را به انجام یک عمل زودرس تحریک میکنند، این شورا یک بن بست بلشویکی است که موفق نخواهد شد زیرا که چنین تشکیلاتی قبلاً نیز بوجود آمده بود ولی سرکوب گردید. انتخاب نمایندگان از کارخانجات و معادن برای شورای بیکاران، احیای شورای نمایندگان کارگران میباشد. بلشویکها با حمایت سازمانهای قوی کارگری که در مناطق مختلف بوجود آمده بودند، توانستند بخوبی در برابر این نظرات منشیوها و نظرات دیگری مانند تخطئه راه حل بلشویکی بدلیل بوجود آوردن این تشکیلات بوسیله رهبران کمونیست، نه خود کارگران در جریان مبارزه خودبخودیشان، مربوط نبودن مسئله بیکاری به کارگان شاغل، اکونومیستی دانستن این تشکیلات آنهم با این استدلال که در موقعیت آنروز جامعه روسیه یعنی سال 1906، کارگرانی که تحت رهبری حزب کمونیست بودند نیابستی به مسائل اقتصادی طبقه کارگر نظیر بیکارترین توده های کارگران یاری رسانند.

آموزش انقلابی لنین به حرکت رهبران شورای بیکاران جهت درستی داده و آنها را به ضرورت اتحاد کارگی یعنی اتحاد کارگران شاغل و بیکار در مقابله با بیکاری میرساند و نشان میدهد که چگونه باید درقبال سیاست های رژیم سرمایه داری که مشخصاً برای سرکوب پرولتاریا اتخاذ میشود مقابله کرد.

بلشویکها با شناختی که در آن شرایط خاص بدست آورده بودند توانستند با ایجاد تشکیلات انقلابی شورای بیکاران

بخوبی در آن مقطع معین به ضرورت مبارزه طبقه یعنی پرولتاریا پاسخ دهند. تجربه مبارزه کارگران پترزبورگ در مقابله با بیکاری در مجموع نشان داد که چگونه این شورا در شرایطی که تزار سیاستی بر ایجاد جدائی بین صفوف پرولتاریا اتخاذ کرد تحت رهبری بلشویکها توانست مبارزه بر علیه بیکاری را وظیفه مبرم تشخیص داده و آنرا سازماندهی کند. یک ستون اصلی مبارزات شورای بیکاران در آن بود که به مسئله بیکاری به عنوان مشکل کل طبقه اعم از بیکار و شاغل میپردازد و بیکاری را به عنوان تهدید دائمی برای حتی شاغل ها هم محسوب میکند.

تجربه شورای بیکاران گویای آنست که چگونه تشکل جدیدی بوسیله بلشویکها با درس آموزی از تجربیات و نقد انحرافات گذشته میتواند بوجود بیاید و با عوامل سرکوب و پاشیدگی آن مبارزه کند. با رهبری بلشویکهای مسلح به آگاهی طبقاتی و تئوری انقلابی، قادر به شناخت شرایط خاص و واقعیت جامعه و مبارزه طبقاتی بوده و بر مبنای این تئوری، سیاستهایی را در ارتقای مبارزه اتخاذ میکنند.

شورای بیکاران تشکیلاتی پرولتری است که بلشویکها آنرا بوجود آوردند و به کارگران در مبارزه خود بخودیشان یاری رساندند و این تشکیلات توانست با شیوه های انقلابی با دولت سرمایه، مبارزه کند و در تحمیل خولستهای برحق خود اورا به زانو درآورد.

منشویکها با تمام کوششهای خود برای جلوگیری از رفتن نمایندگان بیکاران به دوما و مخالفت با ایجاد کارهای دولتی بدلیل اینکه نمیتواند به بیکاران کار دهد و این کار باید از طریق دولت مرکزی صورت گیرد یا اکنون این حرکت زودرس است و خلاصه با "تبلیغ" دست روی دست گذاشتن"، سعی میکردند که از فعالیتهای بلشویکها در میان کارگران و ایجاد تشکیلات بیکاران جلوگیری کنند. اما آنها نتوانستند مقاصد خویش را پیش برده و در مناطق کارگری با شکست روبرو شدند و هیچ کسی از آنها حمایتی نکرد و از آنجا که در این میدان حاضر به همکاری در جهت حل یکی از معضلات کارگران نشده، بخوبی در حضور کارگران افشا شدند.

شورا اولین تعرض را آغاز میکند:

در نشست بعدی شورا، طرح خواستها به دوما تنظیم شد. بنابر پیشنهاد لنین تصمیم گرفته شد که 30 نماینده از کارخانجات و معادن به شورای بیکاران اضافه شوند و بدین منظور انتخابات در میان کارگران همه کارخانجات و مهادن و کارگاهها صورت گرفت. این شورا تحت رهبری مستقیم بلشویکها شروع به آماده نمودن خود برای اولین تعرض به دومای شهر سن پترزبورگ نمود، در همین رابطه شورای بیکاران عرضحالی با محکمترین خطاب به دومای شهر تنظیم کرد. قسمتهای از این عرضحال چنین بود:

بر اثر بیکاری هم اکنون تعداد بیشماری از خانواده های کارگران بدون نان مانده اند، کارگران صدقه یا خیرات نمیخواهند ما کارمی خواهیم، پول مردم باید صرف نیازهای مردم شود و نیاز امروز ما کار است. دومای شهر باید بی درنگ برای تمام نیازمندان کار فراهم نماید. هر کارگر بیکاری باید دستمزد کافی دریافت کند، ما نماینده شدیم برای آنکه روی تحقق خواستههایمان پافشاری کنیم اگر شما با خواستههای ما موافقت نکنید دیگر با ما سروکار نخواهید داشت بلکه با توده های بیکار سروکار خواهید داشت.

این عرضحال بعد از تصویب در شورا به کارخانجات و معادن فرستاده شد که کارگران پیرامون آن بحث کرده و زیر آن را بعنوان تائید امضاء کنند. این عرضحال مورد پشتیبانی عمیق همه کارگران کارخانجات و معادن قرار گرفت و امضاها جمع آوری شد. سخنرانان شورا برای تبلیغ بیشتر به همراه گروه هایی از کارگران بیکار مقابل این کارخانجات میرفتند و همانجا جلو در کارخانه جلساتی را در باره مساله بیکاران و کمکی که کارگران شاغل به بیکاران میتوانستند بکنند تشکیل میدادند اما علاوه بر این کار شورای بیکاران موظف شده بود که در میان گروههای خرده بورژوا هم که مایل به کمک به بیکاران هستند فعالیت کنند زیرا که این ارتشهای صد هزار نفری

بیکاران افشار غیر کارگری را نیز بیدار کرده بود.

موج پشتیبانی از جنبش بیکاران هر روز در مناطق و کارخانجات و معادن روبه افزایش بود. هسته های " شورای کارگران بیکار" در کارخانجات و معادن و همچنین کمیته های برای بررسی وضع بیکارن تشکیل میشد تا بتواند به آنها در مبارزه شان با دومای شهر کمک کند.

باری در روز 12 آوریل (فروردین) 1906 هیات نمایندگی شورا که از 30 نفر (شامل 15 نفر از بیکاران و 15 نفر از کارگران شاغل) تشکیل شده بود در دومای شهر حضور یافتند در شروع جلسه بمحض ورود نمایندگان، تعداد زیادی از مردم وارد جایگاههای دوما شدند. 5 نماینده از طرف شورای بیکاران صحبت میکردند که به هیچ وجه سرشویی و بازی با لغات نداشتند. یکی از سخنرانان گفت: " ما فکر میکنیم که تمام پولی که شما خرج میکنید محقا به ما تعلق دارد. اگر شما به بیکاران کار ندهید، برای ما هیچ چاره ای باقی نمیماند بجز اینکه حق خود را از شما غارت کنیم".

نمایندگان طوری از موضع قدرت برخوردار کرده و شرط و شروط برای بورژوازی میگذاشتند که انتظار آن نمیرفت: مسئولین شهر مجبور به عقب نشینی شدند، باندهای "صد سیاه" که همیشه عامل سرکوبگر تشکیلات کارگری و نیروهای انقلابی بودند، خود را طرفدار بیکاران نشان دادند. حتی یکی از مسئولین شهر که از باند های "صد سیاه" بود اصرار داشت که مبلغی که به بیکاران اختصاص داده میشود، افزایش بیابد!!!

بورژوازی مجبور به تشکیل کمیون بیکاران میشود.

در همان جلسه دوما یک کمیون بیکاران با ریاست یکی از مسئولین شهر به نام "کدرین" تشکیل شد. کدرین بعد از پایان جلسه دوما به هیئت نمایندگی کارگران تبریک گفت!! و پیشنهاد کرد که آنها نیز سه نفر به این کمیون بفرستند. اما نمایندگان که همیشه قاطعانه و پیگیرانه منافع پرولتاریا را در نظر داشتند، گفتند که کارگران در صورتی با حضور در کمیسیون موافقت میکنند که به اندازه مسئولین شهر نماینده داشته باشند و همچنین کمیسیون حق رای داشته باشند.

کدرین عصبانی شده و به مخالفت برخاست و گفت در این صورت آنها کار را بدون حضور نمایندگان کارگران شروع خواهند کرد. در این موقع هیات نمایندگی برای ترک محل از جا برخاست اما کدرین فکری کرد و بدنبال آنها دوید و جلوی آنها را گرفته و گفت: " آقایان! کارگران عزیز کمیسیون پیشنهاد شما را مناسب تشخیص داده و آنرا میپذیرد آیا شما در این صورت راضی خواهید بود!!!؟

نمایندگان در مذاکره با بورژوازی نیز مبارزه با آنها را ادامه میدهند.

اولین کمیون بیکاری تشکیل شد. نمایندگان بیکاران بعنوان نمایندگان پرولتاریا با کارگزاران سرمایه با بورژوازی با کسانیکه خود را مدافع منافع توده ها قلمداد میکردند برسر یک میز گرد نشستند و از این فرصت هم برای عوامفریبی و به سازش کشیدن مبارزات استفاده می کردند و اگر نمایندگان ما بدون آموزش انقلابی بلشویکی و شعور طبقاتی، با اینها سر یک میز می نشستند و به جای مبارزه با آنها، با دهان باز و مبهوت به آنها گوش می دادند، بدون تردید از همان ابتدا مساله ایجاد کار هم منتفی می شد. این کمیون توانست طرح عملیاتی را تنظیم کند که دوما مجبور شد آن را بررسی و تصویب کند. این طرح شامل اقدامات فوری برای رفع احتیاجات بیکاران بود. از جمله معاف شدن بیکار از دادن عوارض و از گرو در آمدن اموال بیکاران، تامین غذاخوری برای آنها، ساختن ساختمانهای برای مسکن بیکاران و بی خانمان میگشت.

نمایندگان چنان با هوشیاری برخورد میکردند که حتی توانستند بوسیله مساعده ای که دوما برای پرداخت اجاره